

سفرنامه‌های به زبان اردو درباره ایران

دوره قاجار ۱۱۵۷-۱۳۰۴ش / ۱۸۰۰-۱۹۲۵

لیلا عبدی

| ۱۴۷-۱۷۵ |

۱۴۷

آینه پژوهش | ۲۰۹

سال ۳۵ | شماره ۵

آذر و دی ۱۴۰۳

چکیده: در جنوب آسیا از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، سفرنامه‌نویسی به زبان اردو رواج یافت. به ترتیب درباره سفر به مکه معظمه و مدینه منوره (برای حج/ عمره، زیارت) و سفرهای زیارتی (عراق، قسطنطنیه، شام، بیت المقدس، ایران) بیشترین تعداد سفرنامه اردو نوشته شده‌اند. برای مردم جنوب آسیا ایران به چند دلیل نمایان، جاذبه سفر داشته است: زبان شیرینی فارسی، مزار شاعران مشهور (فردوسی، سعدی، حافظ)، مزار عارفان (خراسان)، حرم امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) (مشهد و قم)، مزار فیلسوفان (ملاصدرا)، عمارت‌های تاریخی (اصفهان، ری). بر اساس همین علاقه، مسافران جنوب آسیا در حین سفر یا پس از برگشت به کشورشان، روزنامه‌چهره، خاطرات یا سفرنامه‌شان را نوشته و چاپ می‌کردند. این مقاله ابتدا نگاهی کوتاه به سفرنامه‌نویسی در زبان اردو دارد. سپس تاریخچه سفرنامه‌نویسی در زبان اردو درباره ایران تحلیل می‌شود. از آنجاکه نخستین سفرنامه چاپ شده به زبان اردو درباره ایران در سال ۱۸۸۶/۱۲۶۵ شمسی یعنی در دوره قاجار چاپ شد، مقاله در ادامه به سفرنامه‌های به زبان اردو درباره ایران می‌پردازد که سفرنامه‌نویس در دوره قاجار (۱۱۵۷-۱۳۰۴ش / ۱۸۰۰-۱۹۲۵) به ایران سفر کرده است و سفرنامه‌اش هم در همین دوره در هندوستان متحده چاپ شده است.

کلیدواژه‌ها: زبان اردو، سفرنامه‌نویسی، هندوستان متحده (پیش از سال ۱۹۴۷)، ایران، دوره قاجار (۱۱۵۷-۱۳۰۴ش).

Urdu Travelogues about Iran – Part One: The Qajar Era (1800-1925)

Leila Abdi

Abstract: In South Asia, Urdu travelogue writing gained popularity in the second half of the 19th century. The most common Urdu travelogues were written about journeys to Mecca and Medina (for Hajj/Umrh and pilgrimage) and other religious visits to places like Iraq, Constantinople, Syria, Jerusalem, and Iran. For South Asian people, Iran was an attractive travel destination for several reasons: the sweet Persian language, the tombs of famous poets (Ferdowsi, Saadi, Hafez), the shrines of mystics (in Khorasan), the holy shrines of Imam Reza (A) and Lady Masoumeh (S) in Mashhad and Qom, the resting places of philosophers (such as Mulla Sadra), and historical architecture (in Isfahan and Rey). Due to this interest, South Asian travelers documented their experiences during their journeys or upon their return in the form of diaries, memoirs, or travelogues, which they published. This paper first provides a brief overview of travelogue writing in the Urdu language. It then analyzes the history of Urdu travelogues about Iran. Since the earliest printed travelogue in Urdu about Iran dates back to 1886 (1265 AH) during the Qajar era, the paper specifically focuses on Urdu travelogues written by travelers who visited Iran during the Qajar period (1800-1925) and whose accounts were published in British India during that time.

Keywords: Urdu language, travelogue writing, British India (pre-1947), Iran, Qajar era (1800-1925).

مقدمه^۱

سفرنامه‌نویسی مانند دیگر انواع نثر در جنوب آسیا به زبان فارسی نوشته می‌شد. با توجه به منابع به دست آمده، قدیمی‌ترین سفرنامه نوشته شده به فارسی در جنوب آسیا تاریخ جدید، تألیف منشی اسماعیل (زادروز: ۱۱۴۶ یا ۱۱۴۷ ق/ ۱۷۳۴) است. همراه کلود راسل^۲ از شهر کلکته به انگلستان رفت: ۲۵ شعبان ۱۱۸۵ ق/ ۳ دسامبر ۱۷۷۱ تا رمضان ۱۱۸۷ ق/ دسامبر ۱۷۷۳. منشی اسماعیل سفرنامه‌اش را به فارسی نگاشت، تاریخ تألیف: ۱۱۸۵ ق/ ۱۷۷۱.^۳

منشی میرزا اعتصام‌الدین جون پوری همراه یکی از افسران انگلیسی از بنگال به انگلستان ۱۱۸۰-۱۱۸۳ ق/ ۱۷۶۷-۱۷۷۰ رفت و سفرنامه‌اش را به فارسی در سال ۱۱۹۱ ق/ ۱۷۷۷ تألیف کرد.^۴ برای تاریخچه سفرنامه‌نویسی به زبان فارسی در هندوستان قدیم نگاه کنید:

Indo-Persian Travels in the Age of Discoveries 1400-1800, By: Muzaffar Alam+ Sanjay Subrahmanyam, Cambridge: Cambridge University Press, 2007.

۱۴۹

آینه پژوهش | ۲۰۹
سال ۳۵ | شماره ۵
آذر دی ۱۴۰۳

در قرن نوزدهم جاده‌سازی، راه‌اندازی و گسترش وسایل رفت‌وآمد (کشتی، قطار، تراموا)، راه‌اندازی وسایل ارتباطی (خط‌های تلگراف، دفترهای پستی) امکان سفر برای مردم جنوب آسیا را فراهم آورد. گرایش به نگارش، ترجمه و چاپ کتاب به زبان اردو هم باعث شد که سفرنامه‌نویسی از فارسی به اردو روی آورده شود. دکتر دانیال جوزف مایخروچ^۵،

۱. با توجه به منابع استفاده شده در کتاب، اساس تاریخ‌ها، میلادی هستند. البته برخی از موارد فقط تاریخ قمری دارند. برای یکدست شدن، از روی تقویم مستند، معادل میلادی آنها هم آورده شده و در [[گذاشته شده‌اند. تاریخ‌های قمری با «ق» و تاریخ‌های شمسی با «ش» نشان داده شده‌اند. همه کتاب‌ها و مجله‌ها به زبان اردو هستند. اگر کتاب/نشریه‌ای به انگلیسی یا فارسی باشد، ذکر شده است. در متن مقاله ترجمه نام منابع اردو آمده است. البته در کتاب‌نامه، مشخصات منابع اردو به همان اردو آمده است.

2. Claude Russell.

۳. این سفرنامه چاپ شده است: تاریخ جدید سفرنامه منشی اسماعیل به انگلستان، تصحیح، ترجمه، مقدمه: نجیبه عارف، لیلا عبدی خجسته، امید سپهری‌راد، جواد همدانی، خلاصه کتاب به انگلیسی از: سایمون دگی، قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۹ ش.

۴. این سفرنامه چاپ شده است: شگرف‌نامه: سفر منشی میرزا اعتصام‌الدین جون پوری به انگلستان، تصحیح: امید سپهری‌راد، بجنورد: بیژن یورد، ۱۳۹۷ ش.

۵. دکتر دانیال جوزف مایخروچ استاد گروه «فرهنگ و ادبیات جنوب آسیا» در «دانشگاه نورث وسترن» در آمریکا است. رساله دکتری‌اش درباره سفرنامه‌های اردو بود. وی علاوه بر چاپ مقاله

نسخه‌های خطی و چاپی سفرنامه‌های فارسی و اردو در جنوب آسیا را بررسی کرده است و با نمودار نشان داده است که از ۱۷۳۰ تا ۱۸۹۰ رفته‌رفته سفرنامه‌نویسی به فارسی کمتر و به اردو بیشتر شده است. (همان، ص. ۵۴)

سفرنامه‌نویسی در زبان اردو، از نظم آغاز شد و رفته‌رفته سفرنامه‌نویسی به نثر رونق گرفت. با توجه به منابع تاکنون یافته‌شده، از نخستین سفرنامه‌های منظوم به اردو می‌توان به اینها اشاره کرد:

- مثنوی نسینگ‌نامه، سفر میرتقی میر (۱۷۲۲-۱۸۱۰) از دهلی به لکنو، «نسینگ‌نامه» روستایی در بین راه است، تاریخ تألیف مثنوی: حدود سال ۱۷۸۶.
- مثنوی نادر، سفر نواب اعظم جاه (۱۷۹۷-۱۸۲۵) - والی منطقه‌ی آرکات - از مدراس به ناگور برای زیارت مزار عبدالحمید عبدالقادر گنج‌سرای، تاریخ تکمیل مثنوی: ۱۲۲۸ ق/ ۱۸۲۳.

موضوع این مقاله، سفرنامه‌های اردو به نثر است. با توجه به منابع تاکنون یافته‌شده، نخستین سفرنامه‌های منثور چاپ‌شده به زبان اردو را سید فدا حسین و یوسف گمبل پوش نوشته‌اند.

سید فدا حسین عرف نبی‌بخش در دسته‌ی سوارهای تُرک انگلیس‌ها بود. در سال ۱۸۳۸ برای شرکت در جنگی که بین افغانستان و هندوستان درگرفته بود، همراه یک فوج به کابل رفت. حرکت: ۱۵ شعبان ۱۲۵۵ ق/ ۳ نوامبر ۱۸۳۸ و برگشت: ۱۷ رمضان ۱۲۵۶ ق/ ۱۲ نوامبر ۱۸۴۰. فدا حسین سفرنامه‌اش را به زبان اردو با عنوان: تاریخ افغانستان چاپ کرد: مطبع سید محمد خان، در لیتوگرافیک پریس، محرم‌الحرام ۱۲۵۹ ق/ فوریه ۱۸۴۳.

یوسف گمبل پوش از شهر لکنو، در ۲۳ مارس ۱۸۳۷ به اروپا رفت و ۳۰ مارس ۱۸۳۷ به بمبئی رسید. وی از ۱۸۳۷ تا ۱۸۳۸ به: انگلستان فرانسه، مصر، پرتقال، مالتا و کشورهای دیگر سفر نمود.^۱ سفرنامه‌ی یوسف گمبل پوش با عنوان: تاریخ یوسفی در سال ۱۸۴۷ به زبان اردو ترجمه

درباره سفرنامه‌های اردو، چند سفرنامه اردو را به انگلیسی ترجمه کرده است: «سفرنامه بیگم حسرت موهانی از هندوستان به عراق»، «سفرنامه بیگم سربلند جنگ از هندوستان به اروپا».

۱. درباره اصل فارسی نسخه خطی سفرنامه گمبل پوش نگاه کنید به: عبدی خجسته، زمستان ۱۳۹۸ ش، ص. ۱۰. علی دهگاهی در وبلاگش نوشته است که این نسخه خطی را تصحیح کرده است و به چاپ خواهد رساند:

<http://dehghi.blogfa.com/category/۲۶>

شد و برای نخستین بار از «مطبع دارالعلوم» در «دهلی کالج» در شهر دهلی منتشر شد. در روزنامه‌ها و نشریه‌های معاصر آن دوره این کتاب با عنوان: سیر یوسفی یا سفر یوسف کَمبَل پوش نامبرده شده است. این سفرنامه از «مطبع منشی نَوَل کشور» در شهر لکنو برای بار دوم در رمضان 1315 ق/ فوریه 1898 چاپ شد با عنوان: عجائبات فرنگ و پس از آن این سفرنامه به این نام معروف شد. (عبدی خجسته، زمستان 1398 ش، ص 11-10)

به این ترتیب سفرنامه‌نویسی به نثر اردو رایج شد و تا امروز ادامه دارد. مردم جنوب آسیا شرح سفرهایشان به داخل کشورشان یا کشورهای مختلف پنج قاره جهان را می‌نویسند و سفرنامه‌هایشان را در کتاب یا در روزنامه‌ها و مجله‌ها چاپ می‌کنند.

امروزه در هندوستان/پاکستان سفرنامه یکی از انواع ادبی بسیار مقبول است که هم با شوق نوشته می‌شود و هم با اشتیاق خوانده می‌شود. دکتر مایخروچ، سفرنامه‌های چاپ شده به زبان اردو را بین دهه‌های 1900-1990 بررسی کرده است و نشان داده است که هر دهه سیر صعودی داشته است. (مایخروچ، 2022، ص 57)

۱۵۱

آینه پژوهش | ۲۰۹
سال ۳۵ | شماره ۵
آذر و دی ۱۴۰۳

از سفرنامه‌نویس‌های پُرکار اردو، با بیش از ۲۵ سفرنامه چاپ شده، عبارتند از: حکیم محمد سعید (1920-1998)؛ (آقای) قمر علی عباسی (1938-2013)؛ (آقای) مُستنصر حسین تازر (زادروز: 1939).

آقای ضیاءالله کوگر در شهر گوجرانوالا، پاکستان «کتاب‌خانه یادگار عبدالمجید کوگر» را مدیریت می‌کند که با توجه به علاقه زیاد وی به سفرنامه، بیشترین تعداد سفرنامه‌های چاپ شده به زبان اردو در کتاب‌خانه وی موجود می‌باشند. وی دوبار فهرست سفرنامه‌های کتاب‌خانه‌اش را منتشر کرد: فهرست ۹۰۰ سفرنامه با عنوان: نوادرات در سال ۱۹۹۸؛ فهرست ۱۳۰۰ سفرنامه با عنوان: فهارس الاسفار در سال ۲۰۰۷. ویرایش سوم این فهرست با سفرنامه‌های بیشتر، آماده است که با یافتن ناشری چاپ خواهد شد. البته فهارس الاسفار فقط فهرست سفرنامه‌های چاپ شده تا سال ۲۰۱۳ است، اگر فهرست دیگر سفرنامه‌های چاپ شده‌ها از سوی ناشران مختلف و آنهایی که در روزنامه و نشریه‌های اردو هندوستان/پاکستان هم منتشر شوند، حجمی بسیار گسترده خواهد شد.

آقای دکتر محمد اکبر خان در شهر کویتا، پاکستان، کتاب‌خانه شخصی دارد که براساس ذوق مطالعاتی‌اش تاکنون بیش از ۴۰۰ سفرنامه اردو گردآوری کرده است و در سایت

Kitaab Nama.com درباره سفرنامه‌های اردو می‌نویسد. وی به ایران سفر کرده است و سفرنامه‌اش به اردو را هم چاپ کرده است: از نیشابور تا کوالامپور (سفرنامه منفرد درباره تایلند، مالزی و ایران)، لاهور: مکتبه یوسفیه، ۲۰۱۵.

ایران جنت‌نشان

مردم جنوب آسیا همواره شیفته سرزمین ایران بوده‌اند و آن را با صفت «جنت‌نشان» وصف می‌کردند: (شیرازی، ۱۹۳۶، ص ۹۹)

سلسله خاندان رفیع‌الشأن نواب شوکت جنگ حسام‌الدوله بهادر به محمد معین خان می‌رسد که از اهالی اصفهان (ایران جنت‌نشان) بودند. شاهنشاه دولت عالیة ایران وی را به لقب معین‌التجار سرفراز نمود.

ایران، همواره برای مردم جنوب آسیا پُرکشش بوده است: ایرانی که سرزمین اجدادی‌شان بود؛ ایرانی زبانش، فارسی، شیرین است، شیرازِ سعدی، حافظ، ملاصدرا و فیلسوفانش؛ اصفهانِ نصف جهان با پُل‌ها و عمارت‌هایش؛ مشهدِ امام رضا، مشهدِ امام غزالی و عارفان خراسان. همه اینها از عوامل ثابتی بودند که اشتیاق آنها را برای دیدار ایران برمی‌انگیخت. در این باره داستان‌های زیادی در تذکره و کتاب‌های تاریخی فارسی و اردو چاپ شده در جنوب آسیاست. در محبوب‌الزمن تذکره شعرائی دکن آمده است: (۱۹۱۱، حصه دوم، ص ۶۵۴)

محمد مراد لایق جون پوری، در دوره عالمگیر (حکومت: ۱۶۵۸-۱۷۰۷) مأمور واقع‌نگاری لاهور و پنجاب بود. در عالم جوانی و شور شاعری با شنیدن شهرت میرزا صائب^۱ راهی ایران شد. بیچاره غریب، از ذوق اشتیاق از هند تا ایران با پای پیاده رفت و در شهر اصفهان با صائب ملاقات کرد.

ارادات شیعیان جنوب آسیا به مشهد چنان بود «عظیم‌الله خان اعظم‌الدوله بهادر - از درباریان سرزمین اود^۲ - شبیه حرم مقدس امام رضا علیه السلام را در این منطقه ساخته

۱. صائب تبریزی، ۱۰۰۰-۱۰۸۰ق/۱۵۹۲-۱۶۷۶.

۲. «اود» امروزه شمال شرقی ایالت اتر پردیش، هندوستان.

بود». (حیدر، ۱۹۰۷، جلد اول، ص. ۳۵۹) و برخی از آنها سعی می‌کردند که مُرده‌های خود را در مشهد دفن کنند^۱. نگاه کنید به:

Shams, Alex, (2021), *From guests of the Imam to unwanted foreigners: the politics of South Asian pilgrimage to Iran in the twentieth century*, Middle Eastern Studies, Vol 57, Issue 4.

سفرنامه‌نویسی به اردو درباره ایران

با اینکه افراد زیادی از جنوب آسیا به دلایل مختلف به ایران سفر می‌کردند، نخستین سفرنامه چاپ شده به زبان اردو درباره ایران به اواخر قرن ۱۹ میلادی برمی‌گردد. چند دلیل اصلی دارد:

(۱) همان‌طور که اشاره شد در گذشته جنوب آسیا، سفرنامه‌نویسی به زبان فارسی رواج داشت.

(۲) همان‌طور که در صفحات پیشین اشاره شد، نخستین سفرنامه‌های چاپ شده به زبان اردو در نیمه‌های قرن ۱۹ میلادی برمی‌گردد.

(۳) گویا از دوره قاجار مردم جنوب آسیا ناامنی در ایران حس می‌کردند و از سفر به ایران یا نوشتن سفرنامه/خاطرات سفرشان درباره ایران خودداری می‌کردند. در بین تعداد اندکی سفرنامه‌های اردو که درباره ایران درین دوره نوشته شده‌اند، سفرنامه نویسی می‌گوید که خویشاوندان و دوستانش او را از سفر به ایران منع می‌کردند.

محمد حسین آزاد (۱۸۳۰-۱۹۱۰) در سال ۱۸۸۵ از لاهور به تنهایی به ایران سفر کرد. وی نوشته است: «وقتی خبر سفرم پیچید، بیشتر خویشاوندان و دوستان نوشتند که غم مرگ تنها دخترت و پیری، جانی برایت نگذاشته است. بیماری‌های دیگری هم دارید و سفر، طولانی است. خانه هم خالی می‌ماند. پسران هم سرکارش است. افراد دیگری هم مانع

۱. به تازگی کتابی به فارسی در ایران چاپ شده است که مشخصات دولت مردان خارجی را آورده است که یا از روضه امام رضا بازدید کرده‌اند و یا در آنجا دفن شده‌اند که نام دولتمردان هندوستانی و پاکستانی هم آمده است: تقی‌زاده نائینی، رضا، (۱۴۰۲ش)، سفرهای زیارتی دولت مردان مسلمان به مشهد مقدس (۱۳۰۰-۱۴۰۰شمسی)، قم: مشعر.

شدند. من ضرورت‌های این سفر را برایشان توضیح دادم و آخر سر گفتم که برای زیارت می‌روم و هر مسیر سفرم، زیارت خواهد بود... همتم گفتم که در کار خیر همیشه مانع پیش می‌آید». (آزاد، تدوین ۱۹۲۲، ص. ۶۱-۶۲)

سید جلال‌الدین حیدر (۱۸۷۲-۱۹۴۸) استاد «ام.ای.او کالج»^۱ و میر ولایت حسین (۱۸۶۱-۱۹۴۹) رئیس خوابگاه بود. آنها در سال ۱۹۰۳ وقتی از سوی مدیر کالج به ایران فرستاده می‌شوند، ابتدا با مخالفت اعضای بنیاد کالج مواجه شدند. (حیدر، جون-جولائی ۱۹۱۲، ص. ۵۳) آنها می‌گفتند «ایرانی کشور وحشی است و این افراد کالج در خطر خواهند بود». (ولایت حسین، ۱۹۷۰، ص. ۱۳۲) خواجه غلام‌الثقلین (۱۸۷۲-۱۹۱۵) در سال ۱۹۱۱ برای دیدن ایران پس از مشروطه بیدار شده به تنهایی به عراق، ایران و چند کشور دیگر سفر کرد. او هم از تعجب دوستانش نوشته است. (غلام‌الثقلین، ترجمه ۱۳۹۹ ش، ص. ۶۹)

در این مقاله، ابتدا عوامل تأثیرگذاری را بررسی می‌کنیم که باعث شد مسافران ایرانی جنوب آسیا به نوشتن سفرنامه روی آورند. از آنجایی که نخستین سفرنامه به زبان اردو درباره ایران در سال ۱۲۶۵/۱۸۸۶ ش چاپ شد، در ادامه مقاله به سفرنامه‌های اردو منتشر شده دوره قاجار پرداخته می‌شود.

چند عامل در ذوق سفرنامه‌نویسی اردو برای ایران تأثیرگذار بودند

در فهرست چاپ‌سنگی‌های منتشر شده در ایران یا جنوب آسیا، همواره کتاب‌های زیادی در عرفانی، طبی، ادبی و تاریخی مربوط به فارسی/ایران دیده می‌شود که یا متن فارسی/عربی یا ترجمه‌ی اردو کتاب‌ها در جنوب آسیا چاپ شده‌اند. یعنی این ذوق فارسی‌دانی و فارسی‌خوانی در جنوب آسیا وجود داشته است.

ما در اینجا می‌خواهیم نشان دهیم که چند عامل باعث شد تا مردم جنوب آسیا-زین پس هندوستان متحده (پیش از سال ۱۹۴۷) - به سفرنامه‌نویسی اردو درباره ایران روی آورند که

۱. M.A.O College. سرسید احمد خان (۱۸۱۷-۱۸۹۸) در هندوستان، شهر علیگر در ۲۴ می ۱۸۷۵ درسگاهی تأسیس کرد تا علوم شرقی و غربی همزمان در آن تدریس شود. این درسگاه چندین بار تغییر نام داد: مدرسه العلوم للمسلمین، سپس مَحْمَدَن اورینتل اینگلو کالج، سپس ام.ای.او کالج (M.A.O College) و در سال ۱۹۲۰ به دانشگاه تبدیل شد که امروزه به نام «دانشگاه اسلامی علیگر» (Aligarh Muslim University) می‌شناسیم.

این گرایش از دوره قاجار (۱۱۵۷-۱۳۰۴ ش/ ۱۸۰۰-۱۹۲۵) شروع می‌شود: (۱) سفرنامه‌های افسران ارشد انگلیسی که از انگلیسی به اردو ترجمه می‌شد. (۲) سفرنامه‌های فارسی که به اردو ترجمه می‌شد. (۳) دو چاپ خانه هندوستان که به نشر سفرنامه‌ها، تاریخ و جغرافیای ایران می‌پرداختند.

۱: سفرنامه‌های انگلیسی

افسران عالی‌رتبه انگلیسی شاغل در هندوستان، معمولاً برای مأموریت و کارهای مربوط به هندوستان، به ایران سفر می‌کردند و گزارش یا سفرنامه‌اشان را به انگلیسی می‌نوشتند. برخی از اینها به خواهش یا اشاره آن افسر از انگلیسی به اردو ترجمه می‌شد. در اینجا ترجمه‌های اردو این سفرنامه‌ها به ترتیب نخستین سال چاپ آورده می‌شود:

۱:۱ سیر مقبول

لُرد مایو^۱ - نایب‌السلطنه وقت انگلیس در هندوستان - سفرنامه‌ای تخیلی^۲ از تاجری اصفهانی - به نام مقبول - را نوشت در دوره‌های: شاه عباس دوم (دوره حکومت: ۱۰۵۲-۱۰۷۸ ق) و شاه سلطان حسین صفوی (دوره حکومت: ۱۱۴۰-۱۱۰۶ ق) در ایران بود و به یمن، مکه معظمه، مدینه منوره، بیت المقدس، مصر، طرابلس و سیسیل سفر کرد. وی از سوی یک هندوستانی به قتل رسید. سپس سید غلام حیدر خان بهادر - معاون فرمانداری آرد - با یکجا کردن دست‌نوشته‌های انگلیسی لُرد مایو، کتاب را به زبان اردو ترجمه و چاپ کرد. سیر مقبول دوبار از مطبع نول کشور در شهر کانپور چاپ شد: سال ۱۸۷۲ و ۱۸۹۸.

یک نکته قابل توجه - زندگی نامه لُرد مایو به فاصله کوتاهی پس از مرگش منتشر شد:

A Life of the Earl of Mayo; Fourth Viceroy of India- By: William Wilson Hunter, 2 Volumes, London: Smith Elder & Co, First edition: 1875- Second edition: 1876.

۱. Lord Mayo (۱۸۲۲-۱۸۷۲). وی از ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۲ نایب‌السلطنه انگلیس در هندوستان بود.

۲. موضوع مقاله ما سفرنامه‌های حقیقی است؛ فردی از جایی به جای دیگر سفر کرده است. این سفرنامه مقبول و در ادامه سفرنامه‌های: حاجی بابا و سفرنامه ابراهیم بیگ، با اینکه سفرنامه خیالی هستند، به خاطر اهمیت‌شان در سفرنامه‌نویسی اردو و جامعه هندوستان، آورده می‌شوند.

در این کتاب از سفر مایو به ایران چیزی نوشته نشده است. فقط او به مرز ایران و بلوچستان توجه داشت. یعنی مایو به ایران سفری نکرده بود و این کتابش گویا شنیده‌ها و خوانده‌هایش از سفر/سفرنامه‌های افسران انگلیسی بود که به ایران آمده بودند. از طرفی به احتمال زیاد خواسته بود که به شیوه حاجی بابای اصفهانی بنویسد. چون مسافر او هم تاجری اصفهانی است.

۲:۱ سفرنامه ملکم

سر جان ملکم^۱ (۱۷۶۹-۱۸۳۳) از افسران ارشد کمپانی هند شرقی در هندوستان و مترجم نظامیان انگلیس در حیدرآباد دکن بود. وی در ۱۸۰۶ و ۱۸۱۰ برای مأموریت به ایران سفر کرد. وی کتابی درباره ایران به انگلیسی نوشت:

The history of Persia, from the most early period to the present time : containing an account of the religion, government, usages, and character of the inhabitants of that kingdom, London: John Murray, First edition: 1815.

Sketches of Persia; from th Journals of a traveler in the East, two volumes, London: John Murray, First edition: 1827.

کتاب اول، با عنوان تاریخ ایران از انگلیسی به فارسی ترجمه شد. مترجم: میرزا اسماعیل حیرت، دو جلد، بمبئی، چاپ نخست، به خط و اهتمام: میرزا محمدعلی شیرازی الشهیر به کشکول: ۱۸۷۲. ماجرای ترجمه این بود: (صفحه دیباچه، ۱۲۸۷ق)

«کُنل گولد اسمیت^۲، در ۱۲۸۲ق/۱۸۶۵ از طرف دولت انگلیس درباره خطوط تلگراف بین انگلستان و هندوستان به ایران آمد و سپس به هندوستان رفت. در کرمان با محمد اسماعیل خان وکیل الملک - والی کرمان - آشنا شد. گولد اسمیت به خاطر حُسن مهمان‌نوازی وکیل الملک، از او خواست تا چیزی درخواست کند. وکیل الملک از گولد اسمیت خواست تا کتاب تاریخ ایران ملکم به فارسی ترجمه شود. چون پدر وکیل الملک چند سال در خدمت ملکم بوده است. گولد

1. Major General Sir John Malcolm.

2. Sir Frederic John Goldsmith (1818-1908).

اسمیت خواسته او را اجابت کرد و پس از رسیدن به بمبئی از حاکم آنجا درخواست ترجمه کرد. جلد اول را میرزا اسماعیل متخلص به حیرت، ایرانی ساکن هندوستان، ترجمه کرد. کلنل گولد اسمیت می‌خواست آن را ویرایش کند، اما فرصت برایش پیش نمی‌آمد.^۱

و با عنوان تاریخ ایران به اردو ترجمه شد: سائنتفک سوسائتی، علیگر، جلد اول: ۱۸۷۲- جلد دوم: ۱۸۷۴، جلد سوم و چهارم: ۱۸۷۵. (بیگ، ۱۹۸۷، ص. ۱۱۶)

کتاب دوم، که ماجرای سفر است، هم به فارسی ترجمه شد. «در دوره سر هنری بارت^۱ کار ترجمه شروع و پایان یافت و در دوره سر فلیپ ادموند وودهاوس^۲ در بمبئی چاپ شد.» (صفحه خاتمه بدون شماره، تاریخ خاتمة الطبع جلد دوم: غره سوال المکرم ۱۲۸۹ق/۳ دسامبر ۱۸۷۲).^۳

همچنین با عنوان اوضاع ایران در دو جلد به اردو ترجمه شد: مترجم: منشی محبوب عالم، کارخانه پیسه اخبار، استیم پریس، لاهور، ۱۹۰۵-۱۹۰۶.

۱:۳ سفرنامه لرد کوزن

لرد ناتانیل کوزن (۱۸۵۹-۱۹۲۵)^۴ در پاییز ۱۸۸۹ به عنوان نماینده روزنامه تایمز (لندن) به ایران آمد. از اواخر سپتامبر ۱۸۸۹ تا اواخر ژانویه ۱۸۹۰ در ایران بود و در این مدت خبرهایی برای روزنامه تایمز فرستاد. لرد کوزن پس از برگشت به لندن با مطالعه بیشتر درباره ایران نوشت که در ۱۸۹۲ در دو جلد همراه تصویر و نقشه با عنوان: ایران و قضیه ایران^۵ در لندن منتشر شد. این کتاب از انگلیسی به زبان اردو با عنوان خیابان فارس ترجمه شد. مترجم: ظفرعلی خان، حیدرآباد دکن: مطبع شمسی، ۱۹۰۲. (مترجم می‌خواست تمام کتاب را در چهار جلد چاپ کند، ولی فقط بخشی از جلد اول کتاب کوزن جلد اول تا پایان باب دهم ترجمه شده است با عنوان: از مشهد تا طهران) سپس ظفرعلی خان چند صفحه‌ای از بخش تهران سفرنامه را با

۱. Henry Bartle Fere. استاندار بمبئی از ۱۸۶۲-۱۸۷۲.

۲. Philip Wodehouse. استاندار بمبئی از ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۷.

۳. برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به: نوشاهی، ۱۹۸۶: ص ۹۳۸-۹۳۹.

۴. Lord George Nathaniel Curzon. وی از ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۵ نایب‌السلطنه انگلیس در هندوستان بود.

5. *Persia and the Persian Question*, two volumes, by: George Nathaniel Curzon, 1892.

عنوان طهران در همان مجله مخزن، اوت ۱۹۰۴، جلد ۲، شماره ۳ چاپ کرد. (عبدی خجسته، زمستان ۱۳۹۸ش، ص. ۱۵)

این سفرنامه کرزن در ذوق سفرنامه نویسی مردم جنوب آسیا بسیار تأثیرگذار بود. چون برخی از کسانی که در نیمه اول قرن ۲۰ میلادی به ایران سفر می کردند، پیش از آمدن به ایران متن انگلیسی این سفرنامه کرزن را خوانده بودند و پس از آمدن به ایران و نوشتن سفرنامه شان، نقل قوهایی از سفرنامه کرزن آورده اند. (غلام الثقلین، ترجمه ۱۳۹۹ش، بخش ایران)

۴:۱ سفرنامه گوردن

سر توماس ادوارد گوردن (۱۸۳۲-۱۹۱۴) افسر انگلیسی در هندوستان، منشی امور شرق شناسی و دیپلمات بریتانیا در تهران. گوردن در ۱۸۹۵ به ایران آمد. در حال نوشتن باب ششم بود که خبر قتل ناصرالدین شاه رسید. گوردن دو باب دیگر به کتابش افزود و درباره شاه کنونی ایران، برادرانش و صدراعظم نوشت^۱. سفرنامه گوردن با عنوان: سفرنامه ایران مع حالات اعلی حضرت شاه کج کلاه مظفرالدین قاجار خلد الله ملکه و موجوده کوائف ایران به اردو ترجمه شد: حمیدیه میسن پریس، لاهور، ۱۹۰۶.

۱۵۸

آینه پژوهش | ۲۰۹
سال ۳۵ | شماره ۵
آذر و دی ۱۴۰۳

۲: سفرنامه ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه (۱۲۴۷-۱۳۱۳ق/۱۸۳۱-۱۸۹۶) چهارمین شاه سلسله قاجار. وی در حرم حضرت عبدالعظیم در ری به قتل رسید که پس از آن به «شاه شهید» معروف شد. ناصرالدین شاه در هندوستان از مقبولیت زیادی برخوردار بود. چون او را شاهی می دانستند که «طهران را هم خیلی پُرونق کرد و هم ترقی داد». (غلام الثقلین، ترجمه: ۱۳۹۹ش: ص ۲۳۹)

ازین رو، وقتی خبر قتل ناصرالدین شاه در هندوستان رسید، ضمن اظهار افسوس بر قتل شاه کج کلاه ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، روز قتل او روز تعطیل اعلام شد و بنا شد که به روزهای تعطیل حکومت دکن افزوده شود». (بُستان آصفیه، حصه سوم، ۱۹۱۹،

1. *Persia Revisited (1895) With Remarks On H.I.M Mozuffer-ed-din Shah and the Present Situation in Persia (1896)*, By: General Sir Thomas Edward Gordon, Published: Edward Arnold, 1896.

ص. ۵۲۱) و کتاب‌هایی درباره زندگی وی چاپ شد: حیات ناصرالدین شاه ایران، از: محمد عبدالعلی، دهلی: مطبع خادم الاسلام، ۱۸۹۷.^۱

ناصرالدین شاه سه بار به اروپا سفر کرد به ترتیب: ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳-۱۲۹۵ق/۱۸۷۸-۱۳۰۶ق/۱۸۸۹. سفر او، به سرعت در هندوستان پیچید و بسیار پُر خواننده شد. برخی از نخستین چاپ‌های متن فارسی سفرنامه ناصرالدین شاه در هندوستان:

- کاتب: میرزا محمد علی شیرازی مشهور به کشکول، بمبئی، مطبع ندارد، غره ذی الحجه ۱۲۹۳ق/ [۱۸ دسامبر ۱۸۷۶]. همراه به قصیده در مدح ناصرالدین شاه قاجار به زبان عربی از علی ابن ابوالحسن الموسوی التستری و عکس ناصرالدین شاه قاجار (نوشاهی، ۱۹۸۶، ص. ۸۴۷)
- کاتب: محمد علی شیرازی مشهور به کشکول، بمبئی، مطبع ندارد، ۲۷ جمادی الاول ۱۲۹۷ق/ ۸ می ۱۸۸۰ - کاتب: احتمالاً میرزا محمد علی شیرازی مشهور به کشکول، بمبئی، مطبع ندارد، ۱۰ صفر ۱۲۹۸ق/ [۱۲ ژانویه ۱۸۸۱]. در هر دو چاپ، عکس‌های پادشاهان کشورهای بازدید شده است. (صدرایی خویی، زمستان ۱۳۹۲ش، ص. ۱۷۵؛ ۱۸۲)

و سفرنامه ناصرالدین شاه به اردو ترجمه شد:

- ترجمه سفرنامه اروپا اعلی حضرت شاه ایران، جلد اول - مترجم: مولوی ابوالحمید فرخی (استاد والی رام پور و مدرس مدرسه عالی رام پور)، مُرادآباد: مطبع: گلزار ابراهیم، ۱۳۰۶ق/ ۱۸۸۹. (ترجمه سفر اول ناصرالدین شاه است که به مناسبت تخت نشینی نواب محمد حامد علی خان بهادر - دوره حکومت: ۱۸۸۹-۱۹۳۰، والی رام پور و روهیل کند - چاپ شد)

- سیر فرنگستان - مترجم: مولوی سید مظفرالدین حیدر خان معروف به مولوی سید مظفر مرزا، دهلی: مطبع شوکت الاسلام، تاریخ چاپ ندارد. حدس زده می‌شود ۱۸۸۸ یا ۱۸۸۹

1. <https://librarycatalogue.nvli.in/cgi-bin/koha/opac-detail.pl?biblionumber=۲۵۰۰۸۷۹&shelfbrowse-itemnumber=۲۷۹۴۹۹۸>

۲. ما نمی‌دانیم آیا فرخی سفرنامه دوم و سوم ناصرالدین شاه را هم به اردو ترجمه کرد یا خیر؟ البته با توجه به عنوان کتاب دیگر فرخی: شرح سفرنامه جات شاه ایران معه ضمیمه موسوم به پساچین، حدسمان این است که این دو سفر ناصرالدین شاه هم ترجمه شده بود.

باشد، با توجه به آگهی برای کتاب هدایة الائمة^۱. (مترجم در صفحه ۱۱۰ نوشته است: «سفرنامه اول ناصرالدین شاه شامل ایران، روس، لندن، فرانسه و از آنجا تا استانبول است. من بخش انگلستان را ترجمه کردم چون ما هندوستانی‌ها، رعایای سلطنت لندن هستیم و قیصره هند^۲ - خلد الله ملکهها و سلطانها - چنان شاه جم‌جاه [ناصرالدین شاه] را مورد مهمان‌نوازی قرار داده‌اند که خود شاه هم سپاسگزاری نموده است. پس ما هم به خاطر علو همیت شاهانه، حُسن ملاقات و مروّت قیصره هند این قسمت را ترجمه کردیم. بقیه قسمت‌های سفرنامه اول هم چاپ خواهد شد^۳»).

«ناصرالدین شاه، مانند سلطان عبدالحمید خان عثمانی^۴ در هندوستان مورد توجه و ارادت بود. سفرنامه او در دوره‌های افراد خواننده می‌شد و در کتاب فارسی کالج‌های ما شامل بود. برای همین ما به ناصرالدین شاه علاقه زیادی پیدا کرده بودیم». (خیال، ژوئن ۱۹۲۶، ص ۱۸). متن فارسی سفرنامه ناصرالدین شاه در دانشگاه‌های هندوستان تدریس می‌شد و برای حل مشکلات دانشجویان، فرهنگ هم تدوین می‌شد:

- امتحان فارسی سال دوازدهم در دانشگاه پنجاب در لاهور، چاپ از مطبع شمس‌الهند، لاهور، ۱۸۹۶.
- برای امتحان فارسی سال دوازدهم مجوزۀ سال ۱۸۹۱، چاپ از مطبع انوار احمدی، اله‌آباد، ۱۸۹۹.
- شرح سفرنامه جات شاه ایران معه ضمیمه موسوم به پساچین^۵، به کوشش: مولوی ابوالحمید قرّخی، مُرادآباد: مطبع مطلع‌العلوم، ۱۸۸۸.

۱. هدایة الائمة - میر مهدی مجروح (۱۸۳۰-۱۹۰۳) از شیعیان هندوستان، پس از برگشت از کربلا، این کتاب را در سال چاپ: ۱۸۸۸ کرد که شامل منقبت اهل بیت و مرثیه است.

2. Alexandrina Victoria: Queen Victoria (1873-1901).

۳. ما نمی‌دانیم آیا این قسمت‌ها چاپ شدند یا خیر؟

۴. عبدالحمید دوم (۱۸۴۲-۱۹۱۸). به طور کلی، هندوستانی‌ها در آن و امروزه به سلاطین عثمانی - به عنوان خلیفة المسلمین - بسیار عقیده و ارادت داشتند.

۵. فرهنگ واژگان دشوار در کتاب‌های فارسی: وزیرخان لنگران، قصه پاک‌دامن، دیوان هاشمیه، اشعار جعفریه، رباعیات بابا طاهر همدانی و غیره. (آگهی درج شده در پایان کتاب)

۳: مطبع حبل‌المتین در کلکته

مطبع نول کشور در شهرهای لکنو و کانپور به چاپ یا ترجمه کتاب‌های فارسی و مربوط به ایران، شهرت دارد. در اینجا به دو چاپ‌خانه در شهرهای کلکته و لاهور می‌پردازیم که به چاپ سفرنامه‌های مربوط به ایران اهتمام داشتند.

مطبع حبل‌المتین در شهر کلکته بود که هم نشریه حبل‌المتین را چاپ می‌کرد و هم از چاپ‌خانه‌اش کتاب‌هایی به فارسی منتشر می‌کرد.^۱ درباره مقبولیت روزنامه حبل‌المتین و مدیرش - مؤیدالاسلام (۱۲۸۰-۱۳۴۹ ق/۱۸۶۳-۱۹۳۰) - در همان دوره، روزنامه‌نگاران و ادیبان هندوستانی مطالبی نوشته‌اند. نگاه کنید به مقاله: (هاشمی - عبدی خجسته، بهار ۱۴۰۲ ش، محبوبیت نشریه حبل‌المتین و مدیرش مؤیدالاسلام در هندوستان، مجله هنر و جامعه، تبریز)

از مطبع حبل‌المتین دو سفرنامه درباره ایران چاپ شد که در آن زمان بی‌اندازه مورد پسند قرار گرفت: حاجی بابا و ابراهیم بیگ.

۳:۱ سفرنامه جیمز موریه

جیمز موریه^۲ (۱۱۹۴-۱۲۶۵ ق/۱۷۸۰-۱۸۴۹) یک دیپلمات انگلیسی بود که در دوره فتحعلی شاه (حکومت: ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق/۱۷۹۷-۱۸۳۴) دوبار به تهران آمد در سال‌های: ۱۸۰۸ و ۱۸۱۱. وی سکرتری سفیر انگلیس در ایران - سرازلی^۳ - بود. موریه پس از بازگشت به لندن به انگلیسی، کتابی با عنوان سرگذشت حاجی بابا اصفهانی (*The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*) را در ۱۸۲۴ و سرگذشت حاجی بابا در لندن (*The Adventures of Hajji Baba of Ispahan in England*) در ۱۸۲۸ در دو قسمت در لندن منتشر کرد. در هندوستان هم، سرگذشت حاجی بابا خوانندگان زیادی داشت به طوری که چندین بار به زبان فارسی و اردو ترجمه شد.

- قصه حاجی بابا، ترجمه از انگلیسی به اردو: أمراؤ مرزا حیرت دهلوی، نخستین چاپ: [۱۳۰۸ یا ۱۳۰۹ ق/۱۸۹۱]. (بارها چاپ شد)

۱. تاکنون فهرستی از کتاب‌های چاپ‌شده «مطبع حبل‌المتین» منتشر نشده است و جای خالی چنین تحقیقی حس می‌شود.

2. James Justinian Morier.

۳. Sir Gore Ouseley (۱۷۷۰-۱۸۴۴) وی از افسران انگلیسی در هندوستان بود که در سال ۱۸۱۰ سفیر انگلیس در ایران بود.

• مظهرالعجم؛ سوانح عمری حاجی بابا اصفهانی، ترجمه از انگلیسی به فارسی: میرزا اسدالله خان شوکت‌الوزاره، نخستین چاپ ۱۳۲۳ق/ [۱۹۰۵ یا ۱۹۰۶]، بمبئی: مطبع ندارد.

حاجی بابا جزو کتاب‌های درسی «دانشگاه پنجاب»، لاهور در سال ۱۹۲۴ و سال‌های بعد بود و برای رفع نیاز دانشجویان، فرهنگ واژگان فارسی حاجی بابا هم در ۱۹۲۴ و بعدها منتشر شد.

البته حاجی بابا در نیمه نخست قرن ۲۰ میلادی به زبان‌های دیگر هندوستان هم ترجمه شده است:

- به زبان سندی از: مرزا قلیچ بیگ. وی در سال ۱۹۱۱ ترجمه کرد (اندر، ۲۰۰۴، ص. ۴). که در سال ۲۰۰۶ از سندی ادبی برد، جام شورو، حیدرآباد پاکستان چاپ شد.^۱
- ترجمه از انگلیسی به هندی، از: هری کرشن جوهر (۱۸۸۰-۱۹۴۵)، کلکته: زیر سنگ پریس، سال چاپ: ندارد.^۲

مرزا قلیچ بیگ (۱۸۵۳-۱۹۲۹) در دیباچه ترجمه‌اش نوشته است که در هندوستان، ترجمه‌های حاجی بابا به اردو و دیگر زبان‌های بومی ترجمه شده است. درباره مقبولیت حاجی بابا در هندوستان نگاه کنید به: (عبدی خجسته، زمستان ۱۳۹۸ش، ص. ۱۷۳-۱۹۳)

۲:۳ سفرنامه ابراهیم بیگ

سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ نوشته زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۸۴۰-۱۹۱۰) برای نخستین بار در ۱۸۸۸، ۱۹۰۶ و ۱۹۱۰ در استانبول چاپ شد. هر سه جلد در سال‌های ۱۸۹۰، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷ و ۱۹۰۹ از مطبع حبل‌المتین- مطبع فردوسی، کلکته چاپ شد. (برای جزئیات نگاه کنید به: (عبدی خجسته، زمستان ۱۳۹۸ش، ص. ۱۷۳-۱۹۳) این سفرنامه به زبان اردو ترجمه شد:

سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ- مترجم: مولوی عبداللطیف، حیدرآباد دکن: نظام دکن پریس، ۱۹۱۸. (ترجمه جلد اول تا پایان سفر قزوین)؛ همین مترجم، حیدرآباد دکن: مطبع عزیز

1. http://www.sindhadiadabiboard.org/catalogue/Navel/Book15/Book_page2.html

۲. بابت ترجمه از هندی به اردو دیباچه کتاب و ارسال این مشخصات، ما از دکتر ارشد مسعود هاشمی- مدیر گروه اردو دانشگاه جی پرکاش، ایالت بیهار، هندوستان - سپاسگزاریم.

دکن، ۱۳۳۹ق/ [۱۹۲۰]، همراه فرهنگ و مختصر سفر قزوین. (انجمن ترقی اردو پاکستان، ۱۹۷۵، جلد ۲، ص. ۵۸-۵۹)

۳:۳ سفرنامه شوستر

ویلیام مورگان شوستر^۱ (۱۸۷۷-۱۹۶۰) به درخواست دولت ایران برای اصلاحات ملی در ۱۹۱۱ به ایران آمد. اختیارات شوستر شامل جمع‌آوری مالیات و رسیدگی به همه حساب‌های دولت می‌شد. وی به عنوان خزانه‌دار کل در ماه می ۱۹۱۱ شروع به کار کرد، اما روس و انگلیس به شدت مخالفت کردند و در دسامبر ۱۹۱۱ شوستر به دستور این دو کشور، اخراج شد. شوستر پس از برگشت به آمریکا کتابی نوشت که به فارسی ترجمه شد:^۲

- تاریخ ایران در دوره ریاست خزانه‌داری دولت علیه ایران- به اهتمام: حاجی شیخ محمد حسین تاجر شیرازی، بمبئی: مطبع شرافت، صفرا المظفر ۱۳۴۰ هجری. [ترجمه: ابوالحسن الموسوی الشوشتری الجزایری]

- اختناق ایران- مترجم: ابوالحسن الموسوی شوشتری الجزایری، کلکته: مطبع جبل‌المتین، ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵.

کتاب شوستر به اردو ترجمه شد:

- داستانی خواندنی درباره اختلافات اروپایی‌ها و توطئه‌های شرقی، مترجم: أم الاعظم بلگرامی، حیدرآباد دکن: مطبع اختر، ۱۹۱۳.

۴: کارخانه پیسه اختیار در لاهور

(آقای) منشی محبوب عالم (1863-1933) اهل یکی از روستاهای گوجرانوالا، پاکستان بود. وی نشریه همت را چاپ کرد. سپس به لاهور رفت و در سال 1877 با نام پیسه اخبار این نشریه را ادامه داد که در تاریخ روزنامه‌نگاری اردو با همین نام شهره آفاق گردید. (زیدی، ۱۹۹۲، ص. ۱۲۵) محبوب عالم در سال 1885 «خادم‌التعلیم پریس» را تأسیس کرد. پیسه اخبار، در آغاز با

1. William Morgan Shuster.

2. *The Strangling of Persia; A Personal Narrative- Story of the European Diplomacy And Oriental Intrigue That Resulted In The Denationalization of Twelve Million Mohammedans.*

دستگاه چاپ دستی کار می‌کرد. محبوب عالم از بیرون هندوستان چند ماشین چاپ خرید و «خادم‌التعلیم پریس» را به «خادم‌التعلیم استیم پریس» تبدیل کرد. (همان، ص. ۱۲۳-۱۲۴)

منشی محبوب عالم در موضوع تاریخ و جغرافی آثار زیادی چاپ کرد که برخی از آنها درباره ایران بود:

- سوانح عمری شاه مظفرالدین والی ایران، از: منشی محبوب عالم، لاهور: مطبع خادم‌التعلیم پنجاب، تاریخ مقدمه: ۱۹۰۱. (عکس‌های زیادی دارد. در مقدمه آمده است: می‌خواستم زندگی فرمانروایان الوالعزم مسلمان: ناصرالدین شاه، سلطان عبدالحمید عثمانی را بنویسم، که فرصت نمی‌شد. وقتی در پاریس و قسطنطنیه - سال ۱۹۰۰ - مظفرالدین شاه را دیدم، تصمیم گرفتم زندگی نامه فرزند ناصرالدین شاه را بنویسم)

- سفرنامه پروفیسر وامبری؛ خیوا، بخارا، کردستان و غیره، از: آرمین وامبری^۱، مترجم: منشی محبوب عالم، لاهور: مطبع خادم‌التعلیم پریس، ۱۹۰۳.

- حالات ایران، دو جلد - از: سر جان ملکم، مترجم: منشی محبوب عالم، لاهور: کارخانه پیسه اخبار، استیم پریس، ۱۹۰۵-۱۹۰۶. (در صفحات پیشین توضیح داده شد)

- نامه خسروان؛ داستان پادشاهان ایران از آغاز آبادیان تا انجام ساسانیان، از اصل نسخه عکسی فارسی چاپ اتریش - مجارستان، همراه تصاویر، لاهور: مطبع دُخانی خادم‌التعلیم پنجاب، چاپ دوم ۱۹۰۶.

نخستین سفرنامه چاپ شده به زبان اردو درباره ایران

محمد حسین آزاد (۱۸۳۰-۱۹۱۰) در ۲۳ سپتامبر ۱۸۸۵ از لاهور به ایران سفر کرد و در ژوئیه ۱۸۸۶ به هندوستان برگشت. هدف او: دیدار از سرزمین اجدادش^۲،

۱. سفرنامه پروفیسر وامبری - آرمین وامبری (۱۸۳۲-۱۹۱۳) در سال ۱۸۶۱ از طرف فرهنگستان علوم مجارستان در بوداپست با هزینه آنها به آسیای مرکزی فرستاده شد. او در ۱۸۶۴ برگشت و سفرنامه‌اش را نوشت:

Travels in Central Asia: Being the Account of a Journey from Teheran Across the Turkoman Desert on the Eastern Shore of the Caspian to Khiva, Bokhara, and Samarcand Performed in the Year 1863, London. Second Edition: 1873.

۲. محمد عاشوره، جدّ اعلاي محمد حسین آزاد در دوره محمدشاه (دوره حکومت: ۱۷۱۹-۱۷۴۸) از ایران به کشمیر، هندوستان مهاجرت کرد. پسرش - خلیفه محمد شکوه - در دوره شاه عالم ثانی (۱۷۶۰-۱۸۰۶) به دهلی آمده و

گردآوری نسخه خطی و کتاب‌های چاپ سنگی برای کتاب‌خانه‌اش^۱، گردآوری فرهنگ‌های فارسی برای فرهنگی که در دست تدوین داشت و ریشه‌شناسی واژگان، آشنایی با فارسی معاصر.

«دیدن شیراز، آرزویم بود. پس از یک عمر، خدا برآورده کرد. به به! سرزمین عزیز خواجه حافظ و شیخ سعدی که آن مردم گل‌های تعریف و دعا نثارش می‌کنند، چرا دیدنش آرزو نباشد». (آزاد، تدوین: ۱۹۲۲، ص. ۱۳۰)

محمد حسین آزاد در ۲۴ ژوئیه ۱۸۸۶ به خواهش سر چارلز اچسون^۲ (۱۸۳۲-۱۸۹۶) - فرماندار ایالت پنجاب - درباره سفر خود به ایران سخنرانی کرد تا مردم هندوستان از وضعیت راه‌های تجاری و زیارتی ایران باخبر شوند. سخنرانی آزاد در هفته‌نامه رفیق هند، ژوئیه ۱۸۸۶ در شهر لاهور منتشر شد. همزمان در نشریه عالم تصویر در شهر کان پور هم چاپ شد.

چند سال بعد آغا محمد طاهر (درگذشت: ۱۹۵۷) - نوه آزاد^۳ - در لابلای دست‌نوشته‌های پدر بزرگش، روزنامه‌چه این سفر را پیدا و چاپ کرد: ابتدا بخش‌هایی از آن در مجله همایون، شهر لاهور، می، ژوئن، ژوئیه، اوت ۱۹۲۲. سپس همراه سخنرانی محمد حسین آزاد به صورت کتاب جداگانه چاپ کرد: سیر ایران، کریمی پریس، لاهور، ۱۹۲۲.

پس از این سخنرانی و سفرنامه آزاد، سفرنامه نویسی به اردو درباره ایران و چاپ آن رایج شد. در ادامه، این سفرنامه‌های اردو آورده می‌شود که سفر مسافر و چاپ سفرنامه‌اش در دوره قاجار است.

سکونت اختیار نمود. به خاطر دانش و فضلش در دستگاه مغولان جایگاه و عزت یافت. همسران این خاندان ایرانی نژاد بودند. محمد اکبر - نوه محمد عاشوره و پدر بزرگ محمد حسین آزاد بود. (صادق، ۱۹۷۶، ص. ۹-۱۰)

۱. محمد حسین آزاد با خرید و گردآوری نسخه خطی و چاپ سنگی از ایران، کتاب‌خانه اجدادی‌اش را وسعت کرد. این کتاب‌خانه در شهر لاهور بود که پس از درگذشت آزاد، پسرش کتاب‌خانه را به «دانشگاه پنجاب»، لاهور اهدا کرد و اکنون با عنوان «گوشه آزاد» زینت بخش کتاب‌خانه مرکزی این دانشگاه است.

2. Sir Charles Umpherston Aitchison.

۳. آغا محمد طاهر همه جا، «نبیره آزاد» می‌نوشت. در حالیکه محمد حسین آزاد، پدر بزرگش بود.

سفرنامه‌های اردو درباره ایران - به ترتیب نخستین سال چاپ^۱

- ۱- سیر ایران- چاپ شده در نشریه رفیق هند، شهر لاهور، ۱۸۸۶. همزمان چاپ شده در نشریه عالم تصویر، شهر کانپور، ۱۸۸۶.
- ۲- ترجمه سفرنامه اروپای اعلی حضرت شاه ایران، جلد اول- ترجمه از فارسی به اردو: مولوی ابوالحمید فرخی، شهر مرادآباد: مطبع گلزار ابراهیم، ۱۸۸۹.
- ۳- سیر فرنگستان- ترجمه از فارسی به اردو: مولوی سید مظفرالدین حیدرخان معروف به مولوی سید مظفر مرزا ابن نواب سید سیف‌الدین حیدرخان، شهر دهلی: مطبع شوکت الاسلام، به طور حدسی: ۱۸۸۸ یا ۱۸۸۹.
- ۴- قصه حاجی بابا اصفهانی- ترجمه از انگلیسی به اردو: مرزا حیرت امراد دهلوی، لکنو: مطبع منشی نول کشور، ۱۸۹۱.
- ۵- زادالزائرین المعروف به معین الزائرین، سفرنامه نویسنده: مرزا قاسم علی، شهر دهلی: مطبع یوسفی، ۱۹۰۰.
- ۶- خیابان فارس، ترجمه از انگلیسی به اردو: ظفرعلی خان، شهر حیدرآباد دکن: مطبع شمسی، ۱۹۰۲.
- ۷- سفرنامه پروفیسر وامبری؛ خیوا، بخارا، کردستان و غیره، ترجمه از انگلیسی به اردو: منشی محبوب عالم، شهر لاهور: مطبع خادم‌التعلیم پریس، ۱۹۰۳.
- ۸- برگگی از روزنامه من، سفرنامه نویسنده: سید سجاد علی دهلوی عظیم‌آبادی، شهر لاهور: ماهنامه مخزن- بندرعباس، جلد ۶، شماره ۴، ژانویه ۱۹۰۴، صفحات: ۲۵-۳۰ / بوشهر- جلد ۸، شماره ۵، فوریه ۱۹۰۵، صفحات: ۲۴-۲۷ / موج‌های آبی- جلد ۸، شماره ۵، فوریه ۱۹۰۵، صفحات: ۲۴-۲۷.

۱. برخی از اینها به فارسی ترجمه شده‌اند. نگاه کنید به: عبدی خجسته، سفرنامه‌های چاپ شده درباره ایران به زبان اردو از ۱۸۸۶ تا ۱۹۲۵ میلادی، نامه انجمن مفاخر، تهران، زمستان ۱۳۹۸ ش. سفرنامه خواجه غلام‌الثقلین هم به فارسی ترجمه شده است: روزنامه سیاحت؛ سفر خواجه غلام‌الثقلین از هندوستان به عراق، ایران و شامات در عصر مشروطه، مترجم: لیلا عبدی خجسته، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹ ش.

۹- اوضاع ایران، دو جلد، ترجمه از انگلیسی به اردو: منشی محبوب عالم، شهر لاهور: مطبع خادم‌التعلیم پریس، ۱۹۰۵.

۱۰- سفرنامه ایران مع حالات اعلی حضرت شاه کج کلاه مظرالدین قاجار خلد الله ملکه و موجوده کوائف ایران، مترجم: کارکنان نشریه وطن، شهر لاهور: حمیدیة میشین پریس، ۱۹۰۶.

۱۱- روزنامه‌چه سیاحت، سفرنامه نویسی: خواجه غلام‌الثقلین، شهر میرت: مطبع تجارتی پریس، ۱۹۱۲.

۱۲- سفرنامه عراق، خراسان، ترکستان، روم، مصر، شام و حجاز به قصد حج و زیارات، سفرنامه نویسی: خان بهادر سیدرضا حسین خان، شهر دهلی: مطبع مقبول پریس، تاریخ اتمام: ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۲.

۱۳- کالج علیگر و شیراز، سفرنامه نویسی: سید جلال‌الدین حیدر، شهر علیگر: ماه‌نامه اولد بوای^۱: (قسمت اول) جلد ۲، شماره ۱۰-۱۱، ژوئن-ژوئیه ۱۹۱۲، صفحات: ۵۲-۶۱ / (قسمت دوم) جلد ۲، شماره ۱۲، اوت ۱۹۱۲، صفحات: ۲۵-۲۹ / (قسمت سوم) جلد ۳، شماره ۱، سپتامبر ۱۹۱۲، صفحات: ۱۳-۱۸ / (قسمت چهارم) جلد ۳، شماره ۲-۳، اکتبر-نوامبر ۱۹۱۲، صفحات: ۲۵-۳۱ / (قسمت پنجم) جلد ۳، شماره ۱-۲، سپتامبر-اکتبر ۱۹۱۳، صفحات: ۲۳-۲۹ / (قسمت ششم) جلد ۴، شماره ۳-۸، نوامبر ۱۹۱۳ تا آوریل ۱۹۱۴، صفحات: ۴۳-۴۸.

۱۴- فغان ایران: داستانی خواندنی درباره اختلافات اروپایی‌ها و توطئه‌های شرقی، مترجم: أم‌الاعظم بلگرامی، شهر حیدرآباد دکن: مطبع اختر دکن، ۱۹۱۳.

۱۵- سفرنامه ابراهیم بیگ، ترجمه از انگلیسی به اردو: مولوی عبداللطیف، شهر حیدرآباد دکن: مطبع نظام دکن، ۱۹۱۸.

۱۶- خضر خراسان، سفرنامه نویسی: عنایت‌الله ابن وال جی دایا بایی، ترجمه از گجراتی به اردو: مولوی محمد عابد حسین، شهر حیدرآباد دکن: تاج پریس، ۱۹۲۲.

۱. Old Boy: فرزندان قدیم، به دانش‌آموختگان «کالج علیگر» گفته می‌شد. هنوز هم به کار می‌رود و اینها برای خود انجمن و فعالیت دارند.

۱۷- روزنامه‌چه مرحوم شمس‌العلماء مولانا آزاد دهلوی، سفرنامه‌نویس: محمدحسین آزاد، تدوین از روی دست‌نویس: آغا محمد طاهر، شهر لاهور: ماه‌نامه همايون: جلد ۱، شماره ۵، می ۱۹۲۲، صفحات: ۱۰-۱۳/ جلد ۱، شماره ۶، ژوئن ۱۹۲۲، صفحات: ۱۰-۱۳/ جلد ۲، شماره ۱، ژوئن ۱۹۲۲، صفحات: ۳۷-۴۰/ جلد ۲، شماره ۲، اوت ۱۹۲۲، صفحات: ۸۹-۹۱.

۱۸- سیر ایران یعنی غواص بحر ادب، روزنامه‌چه ایران و سخنرانی جالب جناب شمس‌العلماء، مولانا مولوی آقاي محمدحسین آزاد دهلوی که درباره ایران ایراد فرمود، سفرنامه‌نویس: محمدحسین آزاد، به کوشش: آغا محمد طاهر، شهر لاهور: کریمی پریس، ۱۹۲۲.

از این ۱۸ سفرنامه، ۲ سفرنامه مربوط به سیر ایران و یک سفرنامه ترجمه دیگر سفرنامه ناصرالدین شاه است. پس ما ۱۵ سفرنامه را بررسی می‌کنیم.

| ردیف | سفرنامه | نگارش/ ترجمه | فاصله بین سفر و چاپ نخست سفرنامه | تنها/ همراه | شغل سفرنامه‌نگار- هدف از سفر به ایران |
|------|-----------------------|--------------|---|---------------------------|---|
| ۱ | سیر ایران | نگارش | سال سفر: ۱۸۸۵-۱۸۸۶ سال چاپ: مختصری از آن در ۱۸۸۶ و تمام روزنامه‌چه در ۱۹۲۲ | به تنهایی | استاد بازنشسته کالج دولتی در شهر لاهور- دیدن سرزمین اجدادش-گردآوری کتاب برای کتابخانه‌اش-آشنایی با فارسی معاصر-ریشه‌شناسی و فرهنگ‌های فارسی |
| ۲ | سفرنامه ناصرالدین شاه | ترجمه | سال سفر اول: ۱۸۷۳- سال چاپ: ۱۸۷۶- ترجمه به اردو: ۱۸۸۹/۱۸۸۸ | خاندان و خدم و حشم شاهانه | شاه وقت ایران- رفتن به اروپا برای گردش |
| ۳ | حاجی بابا | ترجمه | سال سفر: ۱۸۰۸ و ۱۸۱۱- سال چاپ: ۱۸۲۴- ترجمه به اردو: ۱۸۹۱ | به تنهایی | افسر انگلیسی- دیدن ایران |
| ۴ | زاد الزائرین | نگارش | سال سفر: ۱۸۹۰-۱۸۹۱- سال چاپ: ۱۹۰۰ | قافله | استاد مدرسه دینی ایمانیه در شهر لکنو- زیارت |
| ۵ | خیابان فارس | ترجمه | سال سفر: ۱۸۸۹-۱۸۹۰- سال چاپ: ۱۸۹۲- ترجمه به اردو: ۱۹۰۲ | به تنهایی | خبرنگار روزنامه تایمز، لندن- بعدها نایب‌السلطنه انگلیس در هندوستان |
| ۶ | سفرنامه وامیری | ترجمه | سال سفر: ۱۸۶۱- سال چاپ: ۱۸۷۳- ترجمه به اردو: ۱۹۰۳ | به تنهایی | استاد شرق‌شناسی در مجارستان- مطالعه آسیای میانه که ایران در مسیر سفرش بود |

| | | | | | |
|----|------------------------|-------|--|--------------|---|
| ۷ | برگی از روزنامه‌چپه من | نگارش | سال سفر: ۱۸۸۸- سال چاپ: ۱۹۰۴-۱۹۰۵ | دو دوست | شغل و هدف اصلی سفرنامه نویسی معلوم نیست. بوشهر و آبادان در مسیر سفرش هستند |
| ۸ | سفرنامه ملکم | ترجمه | سال سفر: ۱۸۰۶؛ ۱۸۱۱- سال چاپ: ۱۸۱۵- ترجمه به اردو: ۱۹۰۵-۱۹۰۶ | به تنهایی | مسئول عالی رتبه انگلیسی در هندوستان- مأموریت |
| ۹ | سفرنامه گوردن | ترجمه | سال سفر: ۱۸۹۵- سال چاپ: ۱۸۹۶- ترجمه به اردو: ۱۹۰۶ | دوستان | مسئول عالی رتبه انگلیسی در هندوستان- دیدن ایران رو به پیشرفت در دوره ناصرالدین شاه |
| ۱۰ | روزنامه‌چپه سیاحت | نگارش | سال سفر: ۱۹۱۱- سال چاپ: ۱۹۱۲ | به تنهایی | حقوق دان، وکیل دادگستری- دیدن ایران به مشروطه رسیده؛ پیشنهاداتی برای اصلاح ایران و ماندن در ایران مسلمان شیعه |
| ۱۱ | سفرنامه خان بهادر | نگارش | سال سفر: ۱۹۱۰-۱۹۱۱- سال چاپ: ۱۹۱۲ | به تنهایی | پلیس بازنشسته- زیارت |
| ۱۲ | کالج علیگر و شیراز | نگارش | سال سفر: ۱۹۰۳- سال چاپ: ۱۹۱۲-۱۹۱۳ | همراه سه نفر | استاد همین کالج- جذب دانشجوی ایرانی برای کالج علیگر |
| ۱۳ | فغان ایران | ترجمه | سال سفر: ۱۹۱۱- سال چاپ: ۱۹۱۲- ترجمه به اردو: ۱۹۱۳ | به تنهایی | اقتصاددان و حقوق دان، اصلاحات مالی ایران |
| ۱۴ | سفرنامه ابراهیم بیگ | ترجمه | سال سفر: حدود ۱۹۰۱- سال چاپ: ۱۹۰۳- ترجمه به اردو: ۱۹۱۸ | به تنهایی | تاجر- دیدن ایران |
| ۱۵ | خضر خراسان | ترجمه | سال سفر: ۱۹۲۲- ترجمه به اردو: ۱۹۲۲ | به تنهایی | تاجر- زیارت |

| ردیف | عنوان | مقصد اصلی: آمد به- رفت از ایران | شهرهای مسیر راه و بازدید شده- ایران | عکس، نمودار، جدول، نقشه مربوط به ایران | نوع سفرنامه |
|------|-----------|--|--|--|-------------|
| ۱ | سیر ایران | مقصد اصلی ایران- آمد از بوشهر- رفت از مشهد | بوشهر- شیراز- اصفهان- قم- طهران- نیشابور- مشهد | نقاشی | روزنامه‌چپه |

| | | | | | |
|-------------------|--|---|---|--------------------------|----|
| روزنامه‌چه | ندارد | تهران- کرج- قاسم‌آباد- عبدالله آباد- کرج- لوشان- منجیل- رستم‌آباد- انزلی | مقصد اصلی اروپا- رفت و آمد از بندر انزلی | سفرنامه ناصرالدین شاه | ۲ |
| متنی پیوسته | ندارد | مشهد- تهران- اصفهان- تبریز- سلطانیه- کرمانشاهان | مقصد اصلی ایران- آمد از اصفهان | حاجی بابا | ۳ |
| راهنمای زیارتی | چندین جدول | قم- ری- تهران- نیشابور- طوس- مشهد- تربت جام | مقصد دوم سفر، ایران- آمد از خانقین- رفت از مشهد | زادالزائرین | ۴ |
| متنی پیوسته | عکس- جدول- نقشه | برخی بازدید شده و برخی مسیر سفر: انزلی- رشت- قزوین- تبریز- اشک‌آباد- مشهد- خلیج فارس- بندرعباس- قوچان- کلات نادری- سیستان- شاهرود- بسطام- تهران | مقصد اصلی ایران- آمد از بندر انزلی | خیابان فارس | ۵ |
| متنی پیوسته | نقاشی | برخی بازدید شده و برخی مسیر سفر: تهران- تبریز- زنجان- قزوین- اصفهان- شیراز- مشهد | مقصد اصلی آسیای میانه- آمد از تبریز- رفت از مشهد | سفرنامه وامبری | ۶ |
| روزنامه‌چه | ندارد | بوشهر- بندر عباس | ایران مقصد اصلی نبوده است- آمد و رفت از بوشهر | برگی از روزنامه‌چه من | ۷ |
| متنی پیوسته | ندارد | بوشهر- تهران- ری- مشهد- شیراز- اصفهان | مقصد اصلی ایران- آمد از بوشهر | سفرنامه ملکم | ۸ |
| متنی پیوسته | ندارد | انزلی- رشت- طهران- رودبار- دریای خزر | مقصد اصلی ایران- آمد و رفت از بندر انزلی | سفرنامه گوردن | ۹ |
| روزنامه‌چه | ندارد | ری- تهران- قم- قزوین- رشت- بندر انزلی | مقصد اصلی ایران- آمد از خانقین رفت از بندر انزلی | روزنامه‌چه سیاحت | ۱۰ |
| روزنامه‌چه | سرلوحه کتاب، پرچم شیر و خورشید ایران | قم- تهران- مشهد | مقصد اصلی حج- آمد از خانقین- رفت از: بندر انزلی | سفرنامه خان بهادر | ۱۱ |

| | | | | | |
|-------------------------|----------|-------------------------|--|---------------------|----|
| متنی پیوسته | ندارد | بوشهر- شیراز | مقصد اصلی ایران- آمد و رفت از بوشهر | کالج علیگر و شیراز | ۱۲ |
| گزارش مأموریت | ۱۸ عکس | بندر انزلی- رشت- تهران | مقصد اصلی ایران- آمد و رفت از بندر انزلی | فغان ایران | ۱۳ |
| متنی پیوسته | ندارد | بندر انزلی- مشهد- طهران | مقصد اصلی ایران- آمد و رفت از بندر انزلی | سفرنامه ابراهیم بیگ | ۱۴ |
| روزنامه/ راهنمای زیارتی | یک نقاشی | زاهدان- مشهد | مقصد اصلی ایران- آمد و رفت از زاهدان | خضر خراسان | ۱۵ |

نتیجه

ایران برای مردم هندوستانِ قدیم همواره کششِ سفری داشته است و نخستین سفرنامه‌ها از این مسافران - بنا به عُرفِ آن زمان- به زبان فارسی بوده است. رفته رفته که هویتِ ملی و گرایش به زبان اردو در هندوستان، سفرنامه‌نویسی منشور به اردو آغاز (تقریباً از ۱۸۴۰) و به سرعت گسترش پیدا کرد. هندوستانی‌ها سفرنامه‌هایشان از جزیره‌العرب، سلطنت عثمانی، آفریقا و اروپا به زبان اردو چاپ می‌کردند. اما تا سال ۱۹۰۰ فقط دو سفرنامه اردو درباره ایران نگارش (نه ترجمه) و چاپ شدند. البته مسافرانی که از هندوستان به عراق با کشتی می‌رفتند، این مسیر را طی می‌کردند: بمبئی- کراچی- مسقط- بوشهر- بندرعباس- بصره. این مسافران در بوشهر قرنطینه می‌شدند، گمرک گذرنامه و وسایل آنها را بازرسی می‌کرد، اگر می‌توانستند، گشتی در شهر می‌زدند و اگر مسافری از شخصیت‌های عالی‌رتبه هندوستان بود به کنسولگری بریتانیا در بوشهر می‌رفت و مورد استقبال گرم آنها قرار می‌گرفت. این مسافران عراق، در سفرنامه‌هایشان - یک یا دو سه صفحه- درباره بوشهر/بندرعباس نوشته‌اند.

مثلاً: سید محمدعلی همراه خاندانش از شهر جونپور به زیارت عتبات عالیات می‌رود. آنها با کشتی از بوشهر مسیر بصره و عراق را طی می‌کنند. وی روزنامه‌چهارش را کامل نوشته است. آنها از ۲۰ ذی‌الحجه ۱۲۹۶ق/ ۱۴ دسامبر ۱۸۷۹ تا ۹ محرم ۱۲۹۷ق/ ۲۳ دسامبر ۱۸۷۹ در بندرعباس و بوشهر بودند: تبصرة المؤمنین ملقب به رفیق الزائرین، از: سید محمدعلی، شهر کانپور: مطبع شعله‌طور، سال چاپ ندارد. تاریخ پایان روزنامه‌چه: ۱۲۹۹ق/ ۱۸۸۲.

با توجه به جدول‌های بالا، هر ۷ سفرنامه نویسی نگارشی (نه ترجمه) شیعه بودند: محمدحسین آزاد، مرزا قاسم علی، سید سجاد دهلوی عظیم‌آبادی، خواجه غلام‌الثقلین، سید رضا حسین خان، سید جلال‌الدین حیدر، عنایت‌الله. و از بین شان ۳ سفرنامه‌نویس: مرزا قاسم علی، رضا حسین خان و عنایت‌الله خان فقط برای زیارت به ایران سفر کرده بودند.

گویا تصور آن زمان مردم هندوستان از ایران، کشوری شیعی زیارتی بوده است تا سیاحتی و شاید به همین دلیل تعداد سفرنامه‌های نوشته به زبان اردو درباره ایران در این دوره اندک است.

از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۲ چند عامل ترجمه باعث شد تا سفرنامه‌نویسی درباره ایران در اردو رایج شود: (۱) ترجمه سفرنامه‌های افسران عالی‌رتبه انگلیسی که درباره ایران نوشته بودند (۲) ترجمه سفرنامه ناصرالدین شاه به اروپا. ازین رو در جدول‌ها می‌بینیم که از ۱۵ سفرنامه ۷ تا ترجمه است که ۳ تای آنها - چه متن فارسی شان و چه ترجمه اردویشان- جزو کتاب‌های درسی کالج و دانشگاه‌های هندوستان قرار می‌گیرد.

در این بین در سال ۱۹۱۲ دو سفرنامه قابل توجه درباره ایران چاپ شد: کالج علیگر و شیراز (از: سید جلال‌الدین حیدر) و روزنامه‌چشمه سیاحت (از: خواجه غلام‌الثقلین). هر دو سفرنامه‌نویس از همین کالج بودند: جلال‌الدین، استاد کالج بود. غلام‌الثقلین دانش‌آموخته کالج که با کالجش همواره در ارتباط بود. هر دو سفرنامه‌نویس با اینکه شیعه بودند هدف اصلی شان از آمدن به ایران، زیارت نبوده است. جلال‌الدین حیدر که از طرف کالج، برای جذب دانشجویان ایرانی آمده بود. غلام‌الثقلین هم برای دیدن ایران مشروطه‌رسیده آمده بود و فقط حرم حضرت معصومه و عبدالعظیم را زیارت کرد. روس‌ها هم که به خاطر وضعیت آشفته مشهد، به وی اجازه ورود به مشهد را ندادند تا حرم امام رضا را زیارت کند.

اما، این دو سفرنامه مهم جایگاه خود را نیافتند: سفرنامه جلال‌الدین در چند قسمت در ماهنامه دانش‌آموختگان کالج چاپ شد. سفرنامه ۴۸۲ صفحه‌ای و بسیار تحلیلی غلام‌الثقلین، همزمان شد با وقوع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ و بیماری سخت غلام‌الثقلین که او را از پای در آورد و او در سال ۱۹۱۵ درگذشت.

مسافران هندوستانی برای ورود به ایران یا راه دریایی داشتند یا راه خشکی.

راه دریایی: با کشتی مسیر بمبئی- کراچی- مسقط- بوشهر را طی می‌کردند. سختی این سفر: دریازدگی، قرنطینه‌ای که نمی‌توانستند از کشتی خارج شوند، ازدحام مسافران در فضای تنگ کشتی. در بوشهر کونسل انگلیس بود که مشکلاتشان را حل می‌کرد.

راه خشکی: با قطار با کویتا می‌آمدند و از آنجا با قطار دیگری در زاهدان پیاده می‌شدند. سختی این سفر: مسیر بیابانی منطقهٔ سیند و کوهستانی بلوچستان بود، قطار تا کویتا و زاهدان روزهای خاص حرکت می‌کرد. بنابراین مسافر باید تا زمان حرکت قطار در جایی اقامت می‌کرد، اگر مسافر شب به لبِ مرز می‌رسید باید تا صبح منتظر بازشدن گمرک می‌ماند. در زاهدان کونسل انگلیس بود که مشکلاتشان را حل می‌کرد.

زائران هندوستانی که به ایران می‌آمدند، معمولاً زیارت اصلی‌شان در: قم، ری، نیشابور، مشهد بود. بیشتر این زائران یا زائر عراق یا حاجی بودند که پیش/پس از عراق یا حج، ایران را هم زیارت می‌کردند. برای عراق: راه رفت و آمدشان: خانقین بود. برای حج: راه رفت و آمدشان: شامات و بندر انزلی بود.

کتاب‌نامه

- الف) اردو/ سندی (علاوه بر ۱۵ سفرنامه‌ای که مشخصات شان در متن مقاله آمده است)
- اندر، فضل‌الله، «مرزا قلیچ بیگ جی ترجمن جو تحقیقی مطالعو»، قلیچ ریسرچ جرنل، جلد ۹، جام شورو: سندھ یونیورسٹی، ۲۰۲۴ء۔
- انجمن ترقی اردو (پاکستان)، قاموس الکتب اردو۔ جلد دوم (تاریخیات)، کراچی: انجمن ترقی اردو (پاکستان)، ۱۹۷۵ء۔
- بیگ، مرزا حامد، کتابیات تراجم۔ جلد دوم: نثری ادب، اسلام‌آباد: مقتدرہ قومی زبان، ۱۹۸۷ء۔
- حیدر، سید کمال‌الدین (سید کمال‌الدین حیدر حسنی الحسینی عرف محمد میرزائے)، تواریخ آودھ، جلد اول، لکھنؤ: مطبع نول کشور، ۱۹۰۷ء۔
- خیال، نواب سید نصیر حسین، «تُرک خیال»، ڈھاکہ: جادو، جون ۱۹۲۶ء۔
- راؤ، مانک راؤ ٹھل، بستانِ آصفیہ یعنی سلطنتِ آصفیہ کے متعلق مفید و تازہ معلومات کا مرقع، حصہ سوم، حیدرآباد دکن: مطبع انوار الاسلام، ۱۳۳۸ ہجری / [۱۹۱۹ء]۔
- زیدی، سیدہ نادرہ، منشی محبوب عالم کی علمی و ادبی خدمات، پی ایچ ڈی، شعبہ اردو، اورینٹل کالج، پنجاب یونیورسٹی، لاہور، سن دفاع: ۱۹۹۲ء۔
- شیرازی، صمصام، یادگار سلور جوبلی، حصہ اول۔ جاگیرداران، حیدرآباد دکن: تاج پریس، تاریخ درج نہیں۔ اندازتاً: [۱۹۳۶ء]۔
- صادق، محمد، محمد حسین آزاد؛ احوال و آثار، لاہور: مجلس ترقی ادب، ۱۹۷۶ء۔
- صوفی ملکاپوری حیدرآبادی، مولوی ابوتراب محمد عبدالجبار خان صاحب، محبوب الزمن تذکرہ شعرائے دکن، حصہ دوم، حیدرآباد [دکن]: مطبع رحمانی، (۱۳۲۹ ہجری / [۱۹۱۱ء])۔
- مظفر مرزا، مولوی سید، سیر فرنگستان، دہلی: مطبع شوکت الاسلام، (اندازتاً: ۱۸۸۸ء-۱۸۸۹ء)۔
- ولایت حسین، میر، آپ بیتی یا ایم. اے. او کالج علی گڑھ کی کہانی میر ولایت حسین صاحب کی زبانی، ناشر: سید ہادی حسین زیدی، علی گڑھ: مسلم ایجوکیشنل پریس، ۱۹۷۰ء۔

ب) فارسی

- صدرایی خویی، علی، «شہدی از شکرستان ہند (بخش چہارم)»، میراث شہاب، سال نوزدہم، شماره ۷۴، قم: کتاب خانہ بزرگ حضرت آیت‌اللہ العظمیٰ مرعشی نجفی (ہ)، زمستان ۱۳۹۲ ش۔
- عبدی خجستہ، لیلیا، «سفرنامہ‌های چاپ شدہ درباره ایران بہ زبان اردو از ۱۸۸۶ تا ۱۹۲۵ میلادی»، نامہ انجمن، سال پانزدہم، شماره چہارم، دورہ پیاپی ۴۷، تہران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، زمستان ۱۳۹۸ ش۔

غلام‌الثقلین، خواجه، روزنامه‌چۀ سیاحت؛ سفرِ غلام‌الثقلین از هندوستان به عراق، ایران و شامات در عصر مشروطه، ۱۹۱۲، مترجم: لیلا عبدی خجسته، ۱۳۹۹ ش، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

مالکم [ملکم]، سر جان، تاریخ ایران، مترجم: میرزا اسماعیل حیرت، کاتب: میرزا محمدعلی شیرازی، بمبئی: مطبعه ندارد، تاریخ خاتمۀ کتاب، جلد دوم: غزۀ شوال المکرم ۱۲۸۹ ق/ ۳ دسامبر ۱۸۷۲.

نوشاهی، عارف، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کم‌یاب در کتاب‌خانه گنج‌بخش، جلد یکم، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۶.

ج) انگلیسی

Majchrowicz, Daniel, *The world in words; Travel writing and the global imagination in Muslim South Asia*, Cambridge: Cambridge University Press, 2022.

د) پایگاه‌های اینترنتی

Www.rekhta.org

http://www.sindhiaadabiboard.org/catalogue/Navel/Book15/Book_page2.html